



ری بردبری

آخرین مصاحبه و گفتگوهای دیگر

سَم وِ لِر • ترجمهٔ مرجان مردانی

فهرست

- ۷..... مقدمه
- ۱۳..... سلاح‌ها، ربات‌ها و موشک‌های ری؛ تأثیر ری بر دبری بر آینده
- ۳۷..... معمارانار و مقالات دیگر
- ۵۷..... دمایی که در آن کتاب‌ها می‌سوزند
- ۷۷..... آخرین مصاحبه

مقدمه

مصاحبه‌هایی که در این مجموعه گردآوری شده‌اند بین سال‌های ۲۰۱۰ تا آوریل ۲۰۱۲ صورت گرفته‌اند. اولین بار در ۲۰۰۰ هنگامی که در مجلهٔ شیکاگو تریبون گزارشی خبری را آماده می‌کردم، ری بردبری را ملاقات کردم. یعنی همان سالی که بردبری هشتادساله شده بود. بلافاصله ذکر خاطرات دوران کودکی (با اختلاف حدوداً پنجاه سال) و بزرگ شدن در مناطق ایلینویز شمالی و کالیفرنیا جنوبی پیوندی را میان ما به وجود آورد. ما وجوه مشترک بسیاری داشتیم و از آن جمله کنجکاوی و لذت نوشتن بود. بدین ترتیب همکاری میان ما آغاز شد و من رسماً زندگی‌نامه‌نویس او شدم.

هنگامی که وارد زندگی بردبری شدم، او به تازگی سکنهٔ بسیار شدیدی را پشت سر گذاشته بود و این موضوع به شکلی آزاردهنده مسئلهٔ فناپذیری انسان را به او یادآوری کرده بود. در طول بیش از یک دهه ما در بارهٔ موضوعات بی‌شماری با هم گفتگو کردیم. بدون اغراق بعد از سال‌ها اعتماد به یکدیگر و صحبت در بارهٔ موضوعاتی که به زندگی‌نامهٔ او مربوط می‌شد، تقریباً دیگر هیچ سرّ ناگفته‌ای میان ما وجود نداشت. این اعتماد امتیاز بزرگی بود، اما همزمان بار مسئولیتی سنگین را بر دوش من

می گذاشت. کاملاً از خط باریک و ناپیدای حساسیت به روحیه سخاوتمند بردبری و وظیفه روزنامه‌نگاری‌ام در ثبت میراث او آگاه بودم. به واسطه دوستی طولانی‌مدت‌مان می‌توانستم سؤالاتی را از او بپرسم که بردبری شاید به هیچ روزنامه‌نگار یا نویسنده دیگری اجازه پرسیدنشان را نمی‌داد. به نظرم این حد از رفاقت در ابتدای آخرین مصاحبه‌ای که در این کتاب آورده شده است، بروز کرد. مصاحبه‌ای که به معنای واقعی آخرین مصاحبه بردبری نیز بود.

گفتگوهای جمع‌آوری‌شده در این کتاب نویسنده‌ای را به تصویر می‌کشد که به قول خودش در «بخش‌های آخر زندگی» اش بود (در زمان اولین مصاحبه این کتاب بردبری هشتاد و نه ساله بود) و باز این مصاحبه‌ها نویسنده بزرگی را به تصویر می‌کشند که در پایان دوران زندگی خود بود: مردی متفکر، شاکر، فرزانه و همچون همیشه جسور. در زمان این گفتگوها بردبری از نظر جسمانی بسیار ضعیف و شکننده بود، اما در عین حال بسیار سرسخت بود و همچنان کنترل ذهن قدرتمندش را در دست داشت. ذهنی که شاهکارهایی خلاقانه همچون وقایع‌نگاری مریخ، *فارنهایت ۴۵۱* و *موجودی اهریمنی به این سو می‌آید* را پدید آورده بود.

این کتاب با سایر کتاب‌های مجموعه آخرین مصاحبه‌های انتشارات ملویل هاوس^۱ اندکی تفاوت دارد. در کتاب‌های دیگر این مجموعه، برای مثال گفتگوهایی با جیمز بالدوین، گابریل گارسیا مارکز یا هانا آرنست، گفتگوها را نویسندگان و روزنامه‌نگاران مختلف انجام داده‌اند. در ری بردبری: آخرین مصاحبه و گفتگوهای دیگر، هر چهار مصاحبه را من انجام داده‌ام. در انتخاب سؤالات این گفتگوها سعی کرده‌ام از پرسیدن سؤالات تکراری خودداری کنم. در عین حال سعی کرده‌ام گفتگوهایی را

1. Melville House

ترتیب دهم که به کشف ایده‌ها، فلسفه‌ها، جزئیات و داستان‌های جدید منجر شوند. موضوعاتی که در کتاب‌های قبلی‌ام به آن‌ها پرداخته نشده بود.

دو سال آخر عمر ری بردبری سال‌هایی پرچالش بود. او بیش‌تر اوقات در خانه و در بسترش می‌ماند. در محدود دفعاتی هم که از خانه خارج شد، به مناسبت‌هایی خاص یا برای سخنرانی در برابر حضار بود. (دو گفتگوی زنده مربوط به همین دوران در این کتاب آورده شده است.) طی دو سال آخر بیش‌تر ساعاتی را که با هم گذرانیدیم در خانه محبوس بودیم و من تمام مدت کنار تخت ری بردبری در خانه‌اش واقع در شویوت هیلز^۱ کالیفرنیا می‌نشستم. بردبری که نوامبر ۱۹۵۸ به این خانه نقل مکان کرده بود در همین خانه چهار دخترش را بزرگ کرد؛ جشن‌های سالانه هالووینش را برگزار کرد؛ از موسیقیدان‌ها، نویسندگان و شخصیت‌های بزرگ پذیرایی کرد و با همسرش مارگریت مک‌کلور بردبری^۲ پنجاه و شش سال زندگی مشترک کرد. همسرش، مگی، در سال ۲۰۰۳ درگذشت و بردبری تا آخرین روزهای زندگی‌اش با پرستار خانگی‌اش در همین خانه ماند. هرگاه که قصد داشتیم به دیدن او بروم، بردبری از من می‌خواست غذایی برای او ببرم. همبرگر، غذاهای هندی و ساندویچ‌های مختلف غذاهای مورد علاقه او بودند. گاهی هم لیوانی نوشیدنی با هم می‌خوردیم. بردبری دوست داشت مهمانانش برایش کتاب بخوانند. و البته ما صحبت هم می‌کردیم. او دیگر آن ری بردبری‌ای که اولین بار در سال ۲۰۰۰ دیده بودم، نبود. روزهای آخر عمرش بود و این تک‌ستاره درخشان آسمان کم‌کم نور و شوق درخشیدنش را از دست

1. Cheviot Hills

2. Marguerite McClure Bradbury